


## عبور از رود وحشی

## روایت سرهنگ محمودی در منطقه عملیاتی والفجر ۸

تهیه و تنظیم: سجاد قربانپور\*

شناسنامه روایت	
	الف) مشخصات راوی نام و نام خانوادگی: سرهنگ محمودی از راویان سپاه پاسداران
	ب) زمان و مکان روایتگری دوشنبه، ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ ساحل اروندرود
	ج) مشخصات کاروان کاروان طلاب و دانشجویان اعزامی از اصفهان تعداد افراد کاروان: تقریباً ۷۰ نفر

## مقدمه

جنگ ما یک جنگ اسلامی و مبتنی بر معنویت بود اما جنگ بعضی‌ها مبنای کشورگشایی و ضدیت با انقلاب اسلامی داشت. ایشان افزود وقتی عراقی‌ها خرمشهر را تصرف کردند روی دیوارهای شهر نوشتند ما آمدیم اینجا بمانیم ولی وقتی ما فاو را تصرف کردیم پرچم خودمان را نصب نکردیم بلکه پرچم امام رضا<sup>(ع)</sup> را نصب کردیم که به آنها بفهمانیم در پی کشورگشایی نیستیم. راوی در ادامه اشاره کرد داعشی‌های امروز همان بعضی‌ها و صدامیان

کاروان طلاب و دانشجویان اعزامی از اصفهان در ادامه بازدید خود از یادمان‌های راهیان نور در استان خوزستان، ساعت ۱۱:۲۵ صبح ۱۳۹۳/۱۲/۲۵ وارد یادمان اروندرود شد و جناب سرهنگ محمودی از راویان سپاه، عملیات‌های والفجر ۸ و کربلای ۳ را برای این کاروان روایت نمود این راوی، روایت خود را با اشاره به تفاوت مبنایی شیوه جنگیدن رزمندگان اسلام با جنگیدن ارتش صدام شروع کرد و گفت

\* کارشناسی حسابداری و کارشناس مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس

سال سیزدهم □ شماره پنجاه و سوم □ تابستان ۱۳۹۴

به تحقق امری. [هرچند که بد نیست بدانید بعضی‌ها، همین کار داعشی‌ها را انجام می‌دادند. سر سربازان ما را می‌برویدند. کومه‌له و دمکرات در کردستان هم زیاد از این کارها می‌کردند. خاطره آن پیرزنی که شوهرش را جلو چشمش در شهر هویزه زنده‌زنده با بنزین آتش زدند را از یاد نبردیم. حالا خلبان اردنی را می‌سوزانند. این یعنی چه؟ چرا ماهواره‌ها این قدر اصرار دارند جنایات این داعشی‌ها را نشان بدهند؟ من ظاهرش را نمی‌گوییم، استراتژیکش را می‌گوییم. کار من تحلیل نبرد است. دارند ما را خلع سلاح می‌کنند. پی چیز دیگر نگردید. این خلع سلاح حزب‌الله است. ما در جنگ با چی جنگیدیم؟ با معنویت، با الله‌اکبر. دارند ما را خلع سلاح می‌کنند. فکر می‌کنید چرا آن داعشی خبیث اصرار دارد با دو قبضه ریش زیر پرچم لاله‌الله و با شعار الله‌اکبر سر بچه ۳ ساله را ببرد؟! چرا اصرار دارند این پرچم را حتماً نشان بدهند؟ چرا داعشی‌ها اصرار دارند حتماً زیر پرچم بایستند و با شعار الله‌اکبر با دو قبضه ریش، شکم زن حامله را بدرند و جنینش را بکشند؟! یعنی قرار است از این به بعد افکار عمومی دنیا وقتی پرچم لاله‌الله را ببینند یاد چه بیفتند؟ قرار است افکار عمومی دنیا وقتی شعار الله‌اکبر را بشنوند چه چیزی برایشان تداعی شود؟ آن وقت هم همین بود. اگر آنها [صدامیان] می‌آمدند خرمشهر را می‌گرفتند طوری نبود، ولی اگر ما می‌آمدیم فاو را می‌گرفتیم، از نظر تبلیغاتی زیر سؤال بودیم.

**نصب پرچم امام رضا<sup>(ع)</sup> بر فراز مسجد فاو؛ نشان اسلامی بودن جنگ ایران علیه دشمن بعثی**  
سپاه یک تاکتیکی به خرج داد. فرمانده کل سپاه دستور داد با آستان قدس رضوی هماهنگی کردند که پرچم متبرک آقا علی بن موسی الرضا<sup>(ع)</sup> را اینجا [فاو] آوردند و به دست فرمانده لشکری که اینجا عمل کرده بود، دادند، بچه‌های شمال بودند،

دیروز هستند که جنایت‌هایی نظیر سوزاندن و سر بریدن آدم‌ها را انجام می‌دهند. سپس ایشان در مورد تلاش‌های سپاه برای اجرای عملیات والفجر ۸ سخن گفت و نقش امداد الهی را در شروع عملیات و موفق بودن آن تاثیرگذار و مهم ارزیابی کرد. همچنین وی در ادامه درباره نقش ارتش در عملیات فریب در منطقه هور صحبت کرد. یکی دیگر از محورهای روایت راوی، شرح و توصیف نبرد جانانه گردان حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> در مقابل گارد ریاست جمهوری صدام و و تارومار کردن آنها بود و از نقش شهید حسن قربانی به‌عنوان فرمانده این گردان یاد کرد. استفاده از سلاح‌های شیمیایی در فاو و نقش جهاد در عملیات والفجر ۸ از دیگر محورهای روایت راوی بود که در مورد آنها نیز صحبت کرد.

### متن روایت

#### جنگ معنوی و اسلامی جمهوری اسلامی ایران در برابر کشورگشایی صدام

«ما در زمان جنگ با معنویت می‌جنگیدیم. برگ برنده جمهوری اسلامی چه بود؟ ما که از نظر تسلیحاتی تحریم بودیم و امکاناتمان هم که کم بود. آنچه ما را در جنگ پیروز کرد معنویت بود. نماد معنویت ما چیست؟ مسجد؛ اما صدام بعد از جنگ یک مسجد به شکل یک کشتی به گل نشسته اینجا ساخت؛ یعنی معنویت خمینی به گل نشسته است. حالا کجاست صدام که سر از جهنم دریاورد ببیند تبلور خمینی کجاست و تبلور تحول خمینی در دنیا چه می‌کند؟ کجاست صدام؟ کجاست تفکر حزب بعث؟ [با خنده] کجاست تا ببیند که سردار پرافتخار ما حاج قاسم سلیمانی روی قبر صدام می‌رود و علیه بعضی‌های جدید یعنی همین داعشی‌ها طراحی عملیات انجام می‌دهد. آنها [صدامیان] می‌خواستند ایران را فتح کنند؟ پس چرا ما آن طرف هستیم؟! امان از روزی که خدا [چیزی] بخواهد [و اراده کند



روایت سرهنگ محمودی در یادمان اروندرود- اسفند ۱۳۹۳

### ابتکار سپاه در عملیات والفجر ۸؛ عبور از اروند وحشی

پرچم آماده شد. یگان‌ها آمدند. سپاه حدود ۷۲ گردان غواص آماده کرد. حدود ۳۰۰۰ نفر می‌شدند. گفتنش به زبان آسان است! ۳۰۰۰ غواص اینجا آماده کردند. در طرح‌ریزی عملیات سابقه ۱۵ ساله، ۲۰ ساله اروندرود را درآوردند؛ چون می‌دانید اروند یکی از آب‌های وحشی دنیاست. اروند یکی از پرتلاطم‌ترین آب‌های دنیاست. ارتش‌های دنیا می‌گویند عبور از آب‌های وحشی غیرممکن است. اینجا عراقی‌ها ۸ سال لب آب بودند؛ نه یک کیلومتر دو کیلومتر، حدود ۸۰ کیلومتر از دهانه خلیج فارس تا خین، ۸۰ کیلومتر با عراقی‌ها مرز اروند داریم. عراقی‌ها حتی یک بار هم نتوانستند از اروند عبور کنند. می‌دانید یعنی چه؟ یعنی ارتش دنیا توان عبور نداشت. مستشاران امریکایی آن‌طرف خوابیده بودند. شوروی سابق آن‌طرف داشت هدایت می‌کرد. وقتی بعضی‌ها نتوانستند این‌طرف بیایند، یعنی ارتش دنیا توان عبور از اروند را ندارد. امروز که من و شما اینجا نشستیم و آستانه سال ۹۴ است، امروز ارتش‌های

لشکر ۲۵ کربلا، مرتضی قربانی فرمانده لشکرشان بود. قرار شد صبح روز عملیات به محض اینکه شهر فاو تصرف شد، پرچم متبرک امام رضا<sup>(ع)</sup> را روی گلدسته مسجد فاو نصب کنند. هر جا، هر کسی، هر چه بکند پرچم خودش را بالا می‌برد. فلان ورزشکار هم وقتی پیروز می‌شود پرچم کشورش را بالا می‌برد؛ اما ما وقتی رفتیم فاو را گرفتیم، پرچم جمهوری اسلامی را بالای مسجد فاو نصب نکردیم. ما پرچم علی‌بن‌موسی‌الرضا<sup>(ع)</sup> را بردیم؛ یعنی چه؟ یعنی ما برای کشورگشایی جنگیدیم. ما رفتیم فاو را بگیریم و به کشورمان ملحق کنیم. ما برای اسلام جنگیدیم. در صورتی که همان وقت؛ وقتی عراقی‌ها خرمشهر را گرفتند روی دیوار شهر نوشتند "آمده‌ایم که بمانیم!" در کتاب‌های درسی که به دست می‌آمد، در نقشه‌هایی که از داخل سنگرهای [دشمن] به دست می‌آمد، استان خوزستان را جزء قلمرو خودشان کرده بودند. آنها وقتی آمدند خرمشهر را گرفتند، زمین را جزء خاک خود کردند. ما وقتی رفتیم فاو را گرفتیم، پرچم امام رضا<sup>(ع)</sup> را بردیم. مبنای دفاع ما با مبنای جنگیدن آنها متفاوت بود.

**امداد الهی هنگام شروع عملیات والفجر ۸**

شب بیستم بهمن سال ۶۴، بچه‌ها اینجا آماده شدند. طرح عملیات به این شکل بود که بحث جزرومد را محاسبه کرده بودند و ساعت ۱۰:۱۰ دقیقه، بالاترین سطح آب را داشت از نظر مدی و قبل از شروع مد؛ یعنی وقتی قایق‌ها اینجا می‌آیند، بیشتر موانعی که کار گذاشته شده، زیر آب باشد؛ یعنی قایق‌ها نزدیک‌ترین جا به ساحل برسند. قرار بود در این ساعت در اواخر دهه فجر، یک عیدی به مردم داده شود. بعد از نماز مغرب و عشا، غواص‌ها باید به آب می‌زدند و آرام خودشان را به آن طرف می‌رساندند. به محض حرکت قایق‌ها از این طرف، غواص‌ها باید آن طرف بالا می‌آمدند و خط اول دشمن را خلع سلاح می‌کردند و خط اول را می‌شکستند، آتش را از سر قایق‌ها برومی‌داشتند تا قایق‌ها خودشان را به آن طرف برسانند و درگیری شروع می‌شود. نماز مغرب و عشا را خواندند. قرار بود قایق‌ها به آب بزنند، هوا ابری شد. خیر سرمان ۱۵ سال سابقه اقلیم جغرافیایی منطقه را درآوردیم، آب‌وهوا را تشخیص دادیم، اینکه کی باد می‌آید، کی مد است؟ سرعت باد چقدر است؟ ابر کی می‌آید، طلوع آفتاب چقدر است؟ تا صبح چقدر وقت داریم؟ همه اینها را محاسبه کردند، اما همه را خدا به هم زد. بعد از نماز مغرب و عشا، یک ابر بزرگ در آسمان آمد. یک رعد و برقی هم شروع شد همه چیز به هم ریخت. همه احوال‌ها تلخ شد. نگو این یک امداد خدایی بود. خدا می‌خواست بگوید شما تا آنجایی که می‌توانید فکر نکنید، کارهایتان را نکنید و هرکجا را نتوانستید من درستش می‌کنم. الآن هم همین است. کارهای خود را نکنید، هرکجا کم آوردید من درستش می‌کنم. ولی بعضی‌ها نمی‌فهمند. بچه‌ها آمدند که بروند، کار خراب شد. نگو این یک امداد خدایی بود. ۳۰۰۰ غواصی که می‌خواستند آن طرف بروند، سروصدای آنها در آب را که می‌خواستی حساب کنی، بین چقدر بود. آب متلاطم شد؛ باران شروع شد و نیروهای عراقی داخل

دنیا در رده دافوس برای ژنرال‌هایشان وقتی تدریس می‌کنند، نبردهای آبی - خاکی را که می‌شمارند، می‌گویند عبور از آب‌های وحشی غیرممکن است. بعد یک استثنایی می‌آورند و می‌گویند عبور از آب‌های وحشی غیرممکن است، اما بسیجی‌های خمینی یک‌بار از اروند گذشتند!

اروند، رودخانه است، اما خواص دریا را دارد، جزر و مد دارد، یکی دو متر ارتفاع آب جزرومد دارد. سطح به این آرامی قریب به ۶۵ - ۶۰ کیلومتر در ساعت سرعت آب آن است. وقتی ما می‌گوییم جمهوری اسلامی ۳۰۰۰ غواص اینجا آماده کرد، در ذهنتان این‌طور نیاید که مثل این فیلم‌ها غواص رفته در دریا و از ماهی‌ها عکس و فیلم می‌گیرد و ماهی‌ها هم دارند اطرافش می‌چرخند و گاهی هم به پشت ماهی‌ها دست می‌کشد. یک فضای خیلی شاعرانه [در ذهنتان] ایجاد نشود.

این خبرها نبود؛ آن مال دریاست. اینجا آب در عمق ۶۰ کیلومتر سرعت دارد. اینجا رودخانه است. با کف دست آب بردارید نمی‌توانید کف دستتان را خوب ببینید؛ یعنی دید ندارید. آن طرف رودخانه مسلح بود. هنوز بعضی از موانع وجود دارد. یک دژی عراقی‌ها درست کرده بودند؛ و انواع و اقسام سلاح‌ها را آورده بودند یعنی رفتن به آن طرف غیرممکن بود و ارتش‌های دنیا نیز می‌گویند نمی‌شود از اروند عبور کرد. نه فقط صرف رفتنش، رفتن به آن طرف و ماندن در آن طرف هنر است؛ یعنی اینکه وقتی شما نیرو را آن طرف آب بردی، وقتی پشت سرت آب باشد، یک لقمه چرب است که گذاشتی در دهان حریفت؛ فقط کافی است دهانش را ببندد و قورت بدهد؛ یعنی وقتی پشت سرت را با آتش ببندد، آن نیرویی که آن طرف رفته است و پشت سرش با آتش بسته شود، تدارکات به آن نمی‌رسد، تسلیحات به آن نمی‌رسد، نیروی تازه‌نفس به آن نمی‌رسد، کشته و زخمی‌اش تخلیه نمی‌شود و به راحتی می‌شود قورتش داد.

بیاورد. بچه‌ها، اگر بخواهیم از ۸ سال جنگ، ۸ تا خاطره گلچین بکنیم، به قطع و یقین، یکی‌اش خاطره درگیری لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup>، مشخصاً گردان حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup> لشکر امام حسین<sup>(ع)</sup> با گارد ریاست‌جمهوری ارتش عراق است. گارد شخصی و گارد ریاست‌جمهوری را وارد کرد. حاج حسین خرازی شب فرمانده گردان‌هایش را می‌خواهد. می‌گوید گارد آمد در منطقه، اگر ما بتوانیم شب، تا صبح نشده، به آنها حمله کنیم و تمرکزشان را بهم

سنگ‌هایشان رفتند. دید دشمن از روی اروند به‌خاطر باران برداشته شد. آب هم متلاطم شد و سروصداها خوابید. بچه‌ها رسیدند به زیر عراقی‌ها. رفتند بالای سر دشمن. تازه فهمیدند که این امداد خدا بود. ما وقتی خدا در حقیقت یک لطفی بکند آن قسمت منفی را پررنگ‌تر می‌بینیم. تازه بچه‌ها فهمیدند چطور شد. بچه‌ها آمدند خط را شکستند؛ نه ابری بود و نه بارانی. عملیات شروع شد و بچه‌ها به خط عراقی‌ها زدند؛ خط اول را شکستند و قایق‌ها رفتند آن طرف، عمده قوا رفت آن طرف و درگیری شروع شد و شهر فاو تصرف شد. آفتاب زده یا نزده، پرچم متبرک آقا علی‌بن‌موسی‌الرضا در فاو بود. آن گلدسته اصلی شهر فاو است [با اشاره] این مسجد بزرگ را صدام بعد از جنگ ساخت که آن یکی را گم کند. حالا کو صدام که ببیند که کی، کی را پوشانده.

در عملیات والفجر ۸ وقتی بچه‌ها از اروند عبور کردند و فاو را گرفتند، شب قبلش بچه‌های ارتش عملیات فریب را خیلی قشنگ در منطقه هور انجام دادند.

بزنیم که هیچ، ولی اگر صبح آنها خودشان را پیدا کردند و جای پایشان سفت شد، کار خیلی سخت می‌شود. شهید بزرگوار حسن قربانی فرمانده گردان حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup>، گردانش را برمی‌دارد و می‌رود پشت اسکله چهارچراغ که برود سمت بعد از جاده فاو - بصره که به سمت جاده البهار می‌رود و به گاردی‌ها می‌زند. چه وقتی؟ وقتی که گاردی‌ها تازه وارد منطقه شده بودند. از خط اول دشمن عبور می‌کند و با خط اول درگیر نمی‌شود. یک گردان نیرو نه یک آدم را

که از یک خاکریز بخواهند عبور بدهند، سخت است. یک گردان را از خط اول دشمن عبور داد و رفت آن طرف. هرچه حاج حسین از حسن قربانی پرسید موقعیت چیست؟ گفت صبر کن. در حدی که بچه‌ها شک کرده بودند که نکند بچه‌ها دستگیر شده‌اند و عراقی‌ها کلت را پیشانی‌شان گذاشته‌اند که آنها بگویند هیچ خبری نیست. حسن یک کد به حسین خرازی می‌دهد و می‌گوید یادت هست فلان جا فلان قضیه را؟ می‌گوید آره. پس حاج حسین خاطرت

### عملیات فریب ارتش در والفجر ۸

وقتی بچه‌ها از اروند عبور کردند و فاو را گرفتند، شب قبلش بچه‌های ارتش - اینجا جا دارد که از رشیدمردان ارتش جمهوری اسلامی که عملیات فریب را خیلی قشنگ در منطقه هور انجام دادند یک ذکری بشود - در منطقه هور درگیر شده بودند و همه ذهن دشمن اینجا بود. وقتی بچه‌ها زدند به خط دشمن، فرمانده‌های عراقی حاضر در میدان وقتی با عراق تماس می‌گرفتند به آنها توجهی نمی‌کردند. می‌گفتند جنگ جای دیگری است، اینها در هور دارند عملیات انجام می‌دهند. [عملیات] فریب [است] تا آمدند بفهمند قصه چیست، بچه‌ها جای پای خود را سفت کردند. صبح روز چهارم، عراقی‌ها فهمیدند باید چه کار بکنند. صدام آن وقت فهمید که کار از کار گذشته بود.

### تارومار شدن گارد ریاست‌جمهوری صدام به‌همت گردان حضرت ابوالفضل<sup>(ع)</sup>

صدام مجبور شد گارد ریاست‌جمهوری را به منطقه





روایت سرهنگ محمودی در یادمان اروندرود-اسفند ۱۳۹۳

را می‌کند؟ می‌گفتند بابا ما تا حالا ۱۰ تا عملیات کردیم و فقط حاجی یک "خدا قوت" به ما می‌گفت. حالا چرا این کار را می‌کند؟، یک چشمه کوچک را کتاب نبرد فاو آورده و می‌گوید ۷۵ روز عملیات والفجر ۸ طول کشید و یکی از جاهایی که عراقی‌ها سلاح شیمیایی استفاده کردند همین جا بود. شاید برایتان باورکردنش سخت باشد. عراقی‌ها اینجا در هر کیلومتر مربع ۱۰۰ کیلوگرم گاز مصرف کردند. ۱۰۰ کیلو آجر نه ۱۰۰ کیلو گاز! آن‌هم ناجوانمردانه توأم می‌زدند که نشود پدافند کرد؛ اما موفق نشدند. بچه‌ها تثبیت کردند و تا پایان جنگ ماند.

### پل بعثت شاهکار جهاد در والفجر ۸

یک چشمه هم از بچه‌های جهاد بگویم. بچه‌های ارتش را عرض کردم؛ هم نیروی هوایی‌شان کمک کرد و هم آتششان کمک کرد. نیرو نیاروند آن طرف، اما خداییش توپخانه ارتش خیلی کمک کرد. بچه‌های جهاد هم یک کار قشنگ کردند و حفش است که گفته بشود. بی‌انصافی است که از بچه‌های جهاد گفته نشود.

جمع باشد. آن شب، بچه‌های گردان ابوالفضل<sup>(ع)</sup> با گارد ریاست‌جمهوری عراق درگیر شدند. اینجا از کشته‌هایشان پشته ساختند! بلایی به سر گارد ریاست‌جمهوری عراق آوردند! یک پیامی از قول صدام در شبکه رادیویی عراق پخش شده و مستندش هست که از قرارگاه جنوب عراق پخش شده، به این مضمون که گارد من را از دست بسیجی‌های خمینی نجات دهید، فاو را نخواستیم! صبح از این گردان چند نفر برگشته باشند خوب است؟! حدود ۲۰ نفر! یک گردان ۳۵۰ نفره رفت و ۲۰ نفر برگشت. حاج محمود چند روز پیش در قم این خاطره را برایمان تعریف کرد. گفت وقتی صبح برگشتیم، حاج حسین خودش لب خط آمد! بچه‌ها را که داشتیم می‌آوردیم پشت خاکریز و منتقلشان می‌کردیم عقب، حاج حسین دور این بچه‌ها می‌گشت، نگاهشان می‌کرد و این خاک‌هایی که لباس‌هایشان گرفته بود را می‌گرفت می‌کشید به چشمانش و لباس‌هایش و می‌گفت الهی دورتان بگردم، الهی بمیرم برایتان. بچه‌ها می‌دانید شما چه کار کردید؟ بچه‌ها با تعجب نگاهش می‌کردند می‌گفتند حاج حسین خرازی چرا این کار

## ارزیابی شکلی و محتوایی مباحث نظامی - عملیاتی

۱. در بخش‌های نظامی - عملیاتی این روایت، راوی جغرافیای منطقه عملیاتی اروندرود را برای مخاطبان به خوبی تشریح نکرده و حتی هیچ اشاره‌ای هم به مختصات جغرافیایی اروندرود در مرز ایران و عراق نکرده است. از این رو، مخاطب این روایت به درستی متوجه نمی‌شود اروندرود در چه قسمتی از شهرستان آبادان و به تبع آن استان خوزستان قرار دارد. علاوه بر این، مخاطب جایگاه

کلیدی و حساس آبراه اروندرود به عنوان تنها مسیر ارتباط دریایی عراق با خلیج فارس و نقش مهم این رودخانه که دروازه ورودی عراق به آب‌های آزاد به شمار می‌رود را در اقتصاد نفتی عراق درک نمی‌کند.

۲. همان‌طور که می‌دانیم تشریح جغرافیای یک منطقه عملیاتی باید متناسب با عملیات انجام شده در آن منطقه باشد، لذا راوی محترم می‌بایست موقعیت جغرافیایی عملیات والفجر را متناسب با زمین این عملیات برای مخاطبان تشریح می‌کرد.

۳. ضعف توضیحات راوی

در زمینه وضعیت و موقعیت جغرافیایی اروندرود در عملیات والفجر ۸، سبب شد مخاطب نتواند دشواری این عملیات را به درستی درک کند، چرا که در عملیات والفجر ۸ به‌طور هم‌زمان، فرماندهان و رزمندگان در چهار نوع زمین جنگلی، ساحلی، آبی و شهری وارد عمل شدند. ۴. در بخش تاریخ و سابقه عملیاتی منطقه، ذکر عملیات والفجر ۸ و کربلای ۳ از جمله محاسن این روایتگری است. اما اشکالی هم در این زمینه وجود دارد. برای نمونه، هم‌زمان با عملیات والفجر ۸، عملیات فریبی با تلاش سپاه پاسداران

مهندس شریفی و بچه‌های جهاد خراسان آمدند ۷ - ۸ کیلومتر پایین‌تر یکی از شاهکارهای مهندسی جنگ را انجام دادند. نگفتم از شاهکارهای مهندسی خودمان، در تاریخ جنگ‌های دنیا سابقه نداشت. امریکایی‌ها بارها رفتند این کار را تجربه کنند این طرف و آن طرف، نتوانستند نمانه‌ای بیاورند. کاری که بچه‌های ما آخر سال ۶۴ کردند، الان که سال ۹۴ دارد شروع می‌شود، امریکایی‌ها نتوانستند انجام دهند. ۵۰۰۰ لوله آوردند ۸ تا ۸ تا به هم جوش دادند. حالا مراحلش فرق می‌کند. از کف رودخانه لوله‌ها را چیدند آوردند بالا؛ کف رودخانه‌ای که ۶۰ کیلومتر سرعت آبش است، شما می‌خواهی لوله ببری آن پایین و قفل و بستش کنی چقدر دردسر دارد؟ لوله‌ها را بالا آوردند؛ یک متر هم از سطح آب بیشتر بالا آوردند و رویش، یک جاده آسفالتی دو بانده ساختند! یعنی روی اروند خروشان بچه‌ها یک جاده درست کردند! بعد فوایو تثبیت شد تا یکی دو سال بعد که فوایو سقوط کرد.

### لشکر امام حسین (ع) در عملیات کربلای ۳

در آخرین جمله هم یک یادی بکنیم از عملیات کربلای ۳. در عمق خلیج فارس، بچه‌های لشکر امام حسین (ع) ... من این را نمی‌گویم که یکی بگوید همه‌اش از بچه‌های اصفهان می‌گوید. من اینجا از بچه‌های ارتش گفتم، از بچه‌های شمال گفتم، از بچه‌های جهاد گفتم؛ اما عملیات کربلای ۳ از عملیات‌هایی بود که فقط یک لشکر عمل کرد و آن هم لشکر امام حسین (ع) بود. در عمق آب‌های خلیج فارس، ۲ تا سکوی نفتی را رفتند گرفتند؛ یکی سکوی البکر و یکی هم العمیه. که عراقی‌ها کاری کرده بودند اینجا که می‌گفتند ما اگر پرنده‌ای از اینجا بگذرد را می‌توانیم بگوییم چه پرنده‌ای است! بچه‌ها رفتند ۲ تا سکو را منهدم کردند و برگشتند. بروید نبرد العمیه بخوانید. یاد کنیم از غواص‌های گمنام لشکر امام حسین (ع) و مشخصاً بچه‌های گردان یونس. با صلوات بر محمد (ص) و آل محمد (ص).»

هم‌زمان با عملیات والفجر ۸، عملیات فریبی با تلاش سپاه پاسداران در بخشی از هور اجرا شد که موفقیت‌آمیز بود. همچنین عملیات فریب دیگری به‌همت ارتش در منطقه شلمچه انجام شد، اما موفق نبود و متأسفانه راوی، عملیات فریب هور را به ارتش نسبت داده است.

هوایی منطقه عملیات والفجر ۸، توپخانه سپاه پاسداران با محوریت شهید شفیع زاده نقش بسزایی داشت، در حالی که راوی فقط به ذکر نام توپخانه ارتش اکتفا کرده است یا اینکه چهار لشکر از نیروهای خودی در انهدام لشکر گارد ارتش عراق در جاده فاو - بصره دخیل بودند، در حالی که راوی فقط به ذکر عملکرد لشکر ۱۴ در این منطقه بسنده کرده است.

۸. همچنین، بایسته بود راوی محترم ابتدا فضای سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی ایران پس از عملیات بدر و فشار مسئولان سیاسی برای تعیین سرنوشت جنگ و اجرای عملیات تعیین کننده و موفقیت آمیز را برای زائران تبیین و به صورت گذرا به حجم اقدامات فرماندهان سپاه برای خروج از بن بست پس از عملیات بدر و طراحی و اجرای عملیات والفجر ۸ اشاره کند.

### مباحث حماسی - معرفتی

۱. توصیف زیبای راوی از فرایند دستور فرماندهی کل سپاه برای نصب پرچم گنبد امام رضا<sup>(ع)</sup> روی گلدسته مسجد شهر فاو، یکی دیگر از نقاط قوت این روایت و از محاسن آن به شمار می رود.

۲. حسن دیگر این روایتگری، تلاش برای تبیین روحیه بسیجی فرماندهان و رزمندگان است که در برخی موارد به طور اجمالی به آن اشاره شده است.

۳. در مجموع، راوی در طول روایت خود کوشیده تا عظمت تلاش رزمندگان در اجرای عملیات والفجر ۸ را تبیین کند. همچنین تلاش کرده با استناد به مباحث عملیاتی و حماسی این مفهوم را منتقل کند، اما شاید به دلیل کثرت اطلاعات یا کمبود وقت نتوانسته است اطلاعات مهم را برگزیند و به ذکر حوادث اصلی و مهم بپردازد که این موضوع یک نقص جدی این روایت می باشد و در نهایت، سبب شده است تا مباحث عملیاتی درصد بیشتری از این روایت را در بر گیرد و از پرداختن به مباحث حماسی و معرفتی غفلت شود.

در بخشی از هور اجرا شد که موفقیت آمیز بود. همچنین عملیات فریب دیگری به همت ارتش در منطقه شلمچه انجام شد، اما موفق نبود و متأسفانه راوی، عملیات فریب هور را به ارتش نسب داده است. همچنین به طور کلی اکثر راویان در یادمان والفجر ۸ از اشاره و ذکر سقوط فاو در پایان جنگ خودداری می کنند که این نقیصه در روایت پیش را نیز وجود دارد.

۵. در این روایتگری، راوی به روند آماده سازی عملیات والفجر ۸ و حجم تلاش ها و اقدامات انجام شده رزمندگان اشاره چندانی نکرده است، در حالی که می توانست در یک بررسی اجمالی مراحل شناسایی، سلسله مباحث و مذاکرات فشرده فرماندهان برای طراحی عملیات و رعایت حفاظت عملیات و... را برای زائران تشریح کند.

۶. در بخش شرح عملیات از راوی محترم انتظار می رفت به طور همه جانبه و جامع فرایند و سیر حرکت نیروهای خودی در این عملیات را توضیح دهد؛ رهایی در نخلستان و استقرار در ساحل اروند، عبور غواصان از آب متلاطم اروند، عبور نیروهای قایق سوار از عرض رود، تصرف و پاک سازی شهر فاو و در نهایت، انهدام لشکر گارد. در این زمینه به برخی مراحل به صورت گذرا اشاره شده، اما توضیحات بسیار ناقص است. اگر دو مورد این بند، کامل و جامع عنوان و شرح تصرف و تثبیت منطقه فاو به درستی تبیین می شد، از یک سوزاثران این مناطق، با حجم سنگین و فشرده اقدامات دشمن در تسلیح زمین شلمچه آشنا شدند و تمهیدات عراق برای ناکامی عملیات های ایران نشان داده می شد و از سوی دیگر، اهمیت و عظمت تلاش طاقت فرسای نیروهای خودی برای اجرای عملیات های مهم و گسترده جهت تعیین سرنوشت جنگ نمایان می گشت و دشواری های [عملیات] و تدابیر فرماندهان و رزمندگان خودی به نمایش گذاشته می شد

۷. در قسمت شرح عملیات والفجر ۸، نقش واحدهای توپخانه و... و همچنین تیپ و لشکرهای سپاه به صورت متوازن و متعادل تشریح نشده و انصاف در پاره ای از موارد رعایت نگردیده است. برای نمانه، در مورد تأمین پوشش